

کلاوس بریش
ترجمه:
سید سعید فیروزآبادی



۴. در باب الوزراء

باب الوزراء، درب مسجد جامع قرطبه

کاوش در قلمروهای باستان‌شناسی و هم‌آهنگ نمودن آن با جلوه‌های معماری، در شمار یکی از اساسی‌ترین پژوهش‌های هنری است. در معماری امروز و به تبع آن شاخه‌های کندوکاو در ایشیا، نمونه‌ها و مظاهر دیرینه و باستان‌شناخت می‌تواند راهگشا و درون‌کاو بسیاری از مفاهیم انسانی و فرهنگ باشد. مقاله حاضر کوششی است در راه تدقیق نکته‌یاب در قلمرو معماری و از لابه‌لای آن رهیافت به جهان باورها و عقاید.

سنگ بنای مسجد بزرگ قرطبه را عبدالرحمان اول، الداخل، نخستین امیر مسلمان اسپانیا نهاد. وی پیش‌تر از عباسیان جدا شده بود.

صحن مسجد تنها یک دروازه در وسط نمای غربی خود دارد (تصویر ۱ و تصویر ۲). از مدت‌ها پیش این دروازه را به دلیل عبادتگاهی که در گذشته در بخش غربی بوده است، دروازه سنت استبان نامیده‌اند. نام گذشته آن یعنی باب‌الوزراء بیانگر نقش این دروازه است. از این دروازه، حاکم و درباریان او به صورت اختصاصی از قصر که به احتمال زیاد روبه‌روی مسجد بوده است، به این مکان می‌آمده‌اند.

به احتمال قوی ارتباط بین قصر و صحن در اوایل فتح قرطبه به دست مسلمانان ایجاد شده است. خیمت^۱ حدس می‌زند که اطلاعات یادشده در منابع، مبنی بر تقسیم کلیسا بین مسلمانان و مسیحیان برای انجام عبادات سکه کرسول^۲ نادرستی آن را اثبات کرده است. بیش‌تر این امر را مطرح می‌نماید که زمینی بزرگ متعلق به مسیحیان، مثلاً صومعه‌ای را به دو بخش تقسیم کرده‌اند. کل کلیسا را مسلمانان گرفته‌اند و بخش‌های دیگر برای مسیحیان باقی مانده است. مسکن یا همان قصر نخستین امیر مسلمان به احتمال بسیار زیاد ساختمانی مشخص از بین مجموعه بناها - شاید قصری به سبک گوتیک غربی - در سمت شرقی مسجد فعلی است. دلیل این امر دو نقل قول در منابع اسلامی مبنی بر آن است که در سال ۱۳۸ هجری / ۷۵۶ میلادی از برج قصر به عنوان مناره مسجد استفاده می‌کرده‌اند. در این بین وضعیت کلیسا در نیمه غربی مسجد عبدالرحمان اول مشخص شده است. اوکانیا در کتابی دیگر^۳ این پیشنهاد قابل قبول را مطرح می‌نماید که همین تقسیم برای آنکه نشان دهیم، مسجد عبدالرحمان اول فاقد مناره بوده است کافی می‌باشد. یعنی برج قصر از همان ابتدا به عنوان مناره مسجد استفاده می‌شده است و این وظیفه را تا زمانی بر دوش داشته که هشام اول در

۱۷۷ هجری / ۴-۷۹۳ میلادی دستور ساخت اولین مناره خاص این مسجد را داده است. (تصویر ۱)

دقیقاً دلیل انتخاب نام باب‌الوزراء همین هم‌جواری تنگاتنگ مسجد و قصر است. (تصویر ۲)

کتیبه‌ای بر سردر همین مکان (تصویر ۳) به گونه‌ای مستند نشانگر آن است که این دروازه در سال ۲۴۱ هجری / ۸۵۵ میلادی یعنی ۶۸ سال پس از ساخت آن به دستور امیر محمد بازسازی شده است.^۴

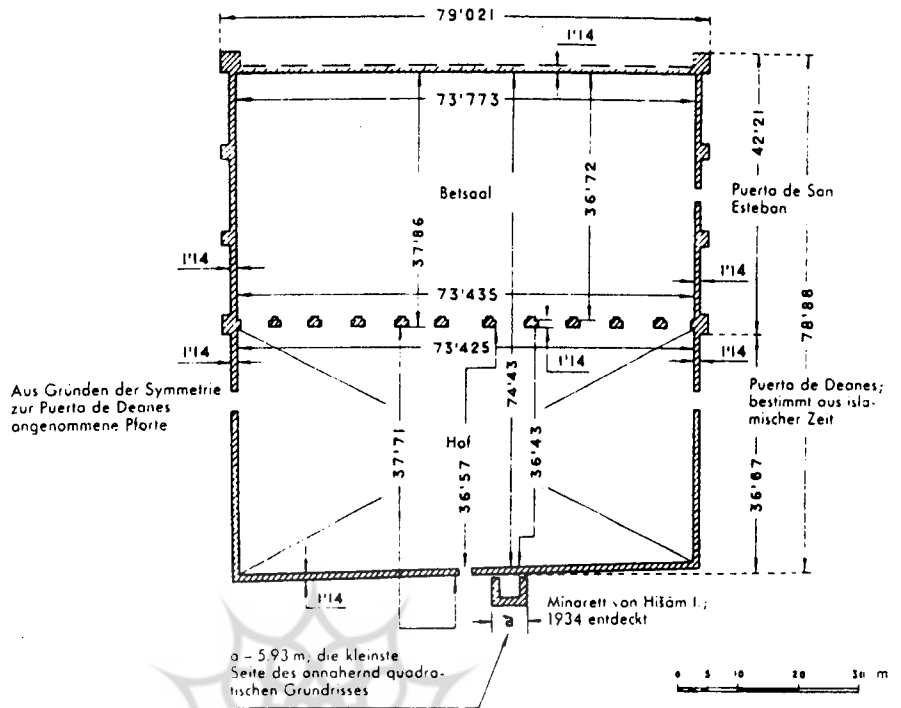
تخمین میزان این بازسازی برای ما نه با توجه به کتیبه یادشده و نه دیگر گزارش‌های مشابه در منابع امکان‌پذیر نیست. به نظر می‌رسد که بیش‌تر سطوح تزئینی نماهای جانبی آن مرمت شده است.

قضاوت درباره این دروازه، به صورت فعلی آن، با توجه به مداخلاتی که در سده‌های میانه و به تازگی انجام پذیرفته بسیار دشوار است. پیرامون زمان ایجاد بخش‌های گوناگون این نما هم‌چون میزان اقدامات انجام‌شده اظهارات بسیاری کرده‌اند. اما برخلاف تمامی این اظهارات به نظر منطقی می‌آید که طرح معماری دروازه و ساختار آن در کل دست‌نخورده برجای مانده است و از همین رو به کندوکاو و ژرف‌نگری در طرح و ساختار درب به همین صورت می‌پردازیم.

نخست به طرح این دروازه می‌پردازیم. بخش اصلی بین ستون‌های وسط نمای غربی را می‌توان یک واحد معماری دانست و آن را به صورت عمودی به سه بخش تقسیم کرد. در پایین بخش میانی دروازه تعبیه شده است (تصویر ۴). پایه‌های در، کمان بالای آن و سردر تقریباً در فرورفتگی دیوار است. سردر را حاشیه‌ای به خط کوفی احاطه کرده است که نشانگر بازسازی (سال ۲۴۱ هجری) دروازه می‌باشد. از سیرون، درب به شبه‌ستون‌هایی برجسته منتهی می‌شود که به دوست طاق ختم شده و فقط نیمی از آن مشخص است. بالای آن‌ها کمانی به شکل نعل است.

بالای بست طاق‌های سفید چند سنگ هم‌رنگ

۱. طرح اصلی مسجد جامع قرطبه در پایان سده ششم



۲. باب الوزراء

ابتدایی کمان و بعد چهار آجر سرخ‌رنگ و سنگی سفید پشت‌سرم دیده می‌شود. حاشیه‌ای تزیینی بخش بیرونی کمان را دربر می‌گیرد و در پایین به چارچوب چهارگوشِ درب منتهی می‌شود.

بالای چارچوب که با پایه‌ای جدا شده است، سه کمان تزیینی روی بست‌های مسطح طاق دیده می‌شود (تصویر ۵). هنوز هم می‌توان دید که این حاشیه‌ها پوشیده از نوشته بوده است. به‌نظر نمی‌رسد که داخل کمان کاملاً فاقد تزیینات بوده باشد. اما مقایسه این درب با دیگر درب‌های مسجد نشان می‌دهد که سردر، درها و حتی کمان‌های تزیینی بالای این درب‌ها کاملاً تزیین شده است، شکل آن‌ها هندسی و منظم است و از آجر سرخ‌رنگ با سطوحی سفید تشکیل می‌گردد. (تصویر ۴ و ۵).

احتمالاً کتیبه همراه با کمان بالایی دارای یک قاب بوده و بر همین اساس در پایین آن قرار گرفته است، زیرا زیر پایه‌های سنگی هنوز هم باقیمانده حاشیه را می‌توان دید و چنین به‌نظر می‌رسد که از پایه‌های سنگی و شاید از درون یک در میان آن‌ها حاشیه‌هایی مشابه به پایین آورده شده است. (تصویر ۶)

نه پایه سنگی نیز دیده می‌شود که بالای کمان می‌باشد و روی آن‌ها لبه پیش‌آمده دیوار فرار گرفته است. بالای آن‌ها کنگره‌های چهارطبقه‌ای است که خط پایین آن‌ها تمام لبه دیوار را دربر گرفته است. (تصویر ۶) حال به دو بخش متقارن کناری می‌پردازیم. پایین‌ترین کتیبه احتمالاً همیشه به همین صورت مسطح بوده است. بالای آن در سمت راست بخشی چهارگوش وجود دارد که تمامی آن فرورفته‌تر از سطح دیوار می‌باشد. از درون آن طرحی کنگره‌ای شکل و سه‌وجهی با خطوط مستقیم تا فرورفتگی دیوار بیرون می‌آید. این بخش ظاهراً با ماریچ‌هایی که از تنه سنگ وسط بیرون آمده است، دارای نقش و نگار می‌باشد. زمینه عمیق بخش فرورفته کنگره‌ها نیز دارای ماریچ‌هایی می‌باشد و

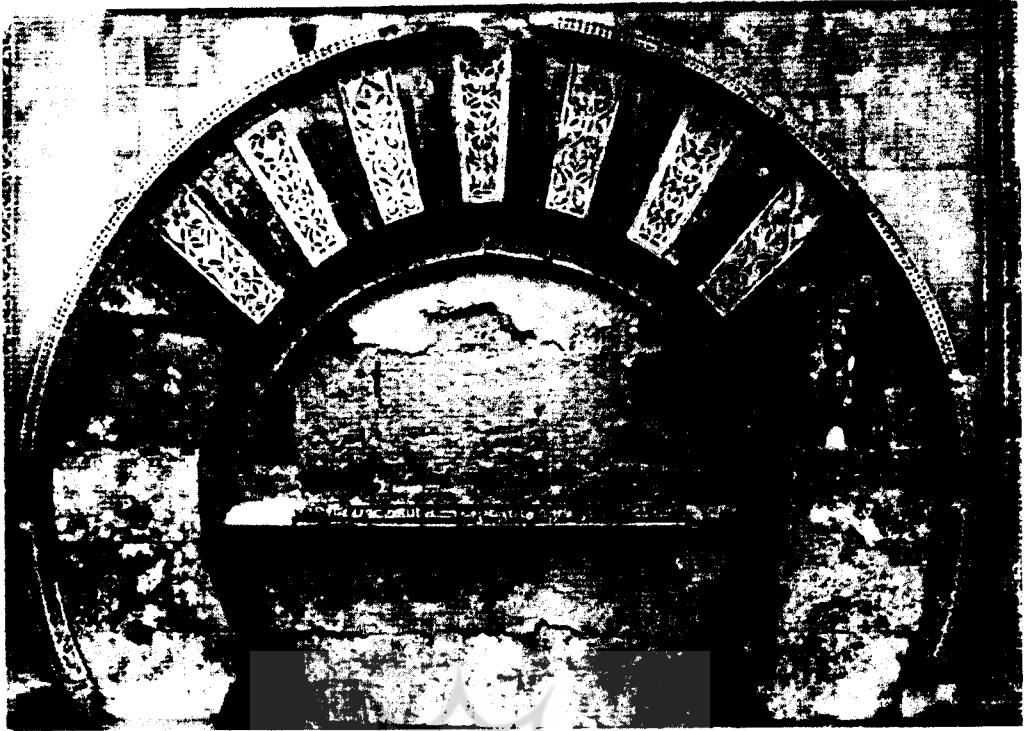
بین آن‌ها نوعی برجستگی روی هر طرف کنگره‌ها دیده می‌شود. (تصویر ۷ و ۸)

کمی بالاتر پنجره‌های مرمرین مشخص است. هر یک از پنجره‌ها با طرحی متفاوت سوراخ شده است، اما هر دو پنجره یکسان و مشابه می‌باشد. هر دو پنجره هم چون دیگر پنجره‌های مسجد در بالا دارای کمانی نعلی شکل بوده است. بر اساس همین مقایسه به احتمال قوی هر دو، بخش بالایی مشابهی داشته‌اند. (تصویر ۷ و ۸)

برای نمایش اهمیت این درب، در برابر مؤمنین داخل صحن و یا کسانی که از این درب عبور می‌کرده‌اند، بخش درونی درب را نیز تزیین کرده‌اند. (تصویر ۹)

طرح بیرونی دارای حکاکی‌هایی با طرح بسیار ساده است. چارچوب کمانی، سقف و مسلماً ماریچ‌های روی ستون‌ها هم چون تزیینات دیگر از بین رفته است. هرچند این پرسش ممکن است برابمان پیش آید که این طرح‌ها از نظر نقاشی و رنگ‌آمیزی چگونه بوده است، اما باقیمانده تزیینات دیواره‌های داخلی هنوز دست‌نخورده باقی مانده است. در بالا ردیف کنگره‌ها را که ظاهری کاملاً یکسان دارد، می‌بینیم. (تصویر ۱۰) در منابع اظهارات گوناگونی درباره این‌که کدام بخش دروازه هم‌زمان با آغاز ساخت و کدام بخش یا بخش‌های دیگر بازسازی شده است، وجود دارد.

اما درباره خود دروازه و چارچوب آن اتفاق‌نظر وجود دارد، تاریخ هر دو آن‌ها ۲۴۱ هجری ذکر شده است. کرسول حاشیه کتیبه‌ها را سندی معتبر می‌شمارد. قابل ذکر است که ساخت کمان بالای دروازه صرفاً جنبه تزیینی داشته است. چنانچه به دیگر درها و پنجره‌های مسجد بنگریم درمی‌یابیم که درب و کمان بالای آن از نظر ساختاری چندان تغییری نکرده است. (تصویر ۱۰) اما درباره زمان تأسیس پنجره‌ها بالباس ۵ مردد است و مورنون ۶ پنجره را متعلق به پیش از اسلام

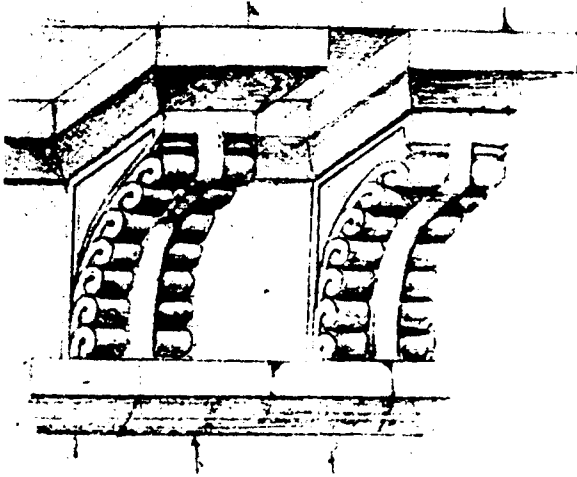


۳. سردر باب الوزراه

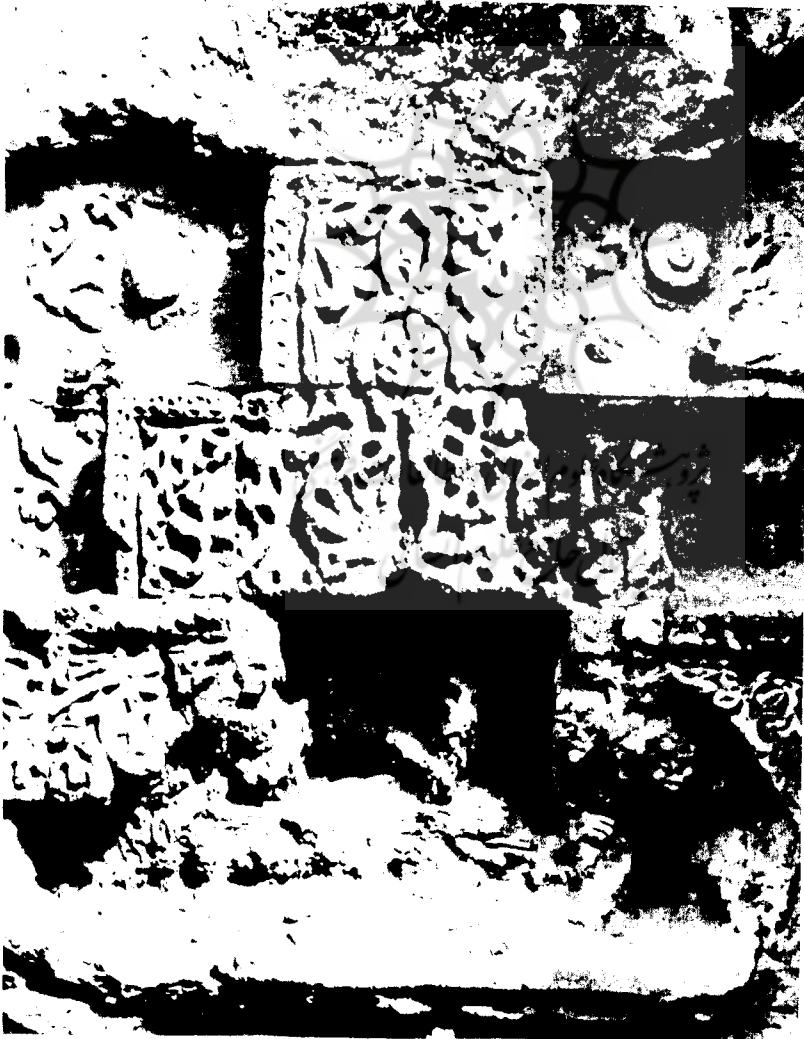
۵. حش ميان باب الوزراه، همراه كمان زير سر آن



۶. پایه‌های سنگی باب‌الوزراء



۷. طرح کنگره‌ای تزئینی ست چپ درب



می‌داند. اما بنا بر عقیده ما پنجره‌ها و نرده‌های آن در عصر عبدالرحمان اول نصب شده‌اند. کنگره‌ها را گومزورنو مربوط به سده دهم دانسته است، در حالی که کرسول به حق آن‌ها را متعلق به زمان تأسیس مسجد می‌داند.

تقریباً تمامی پژوهشگرانی که به نوشته‌های کمان سردرب پرداخته‌اند، اعتقاد دارند که این بخش در سده‌های میانه بازسازی شده است و حتی معتقدند که این سردرب در سده نوزدهم نیز مرمت شده است.

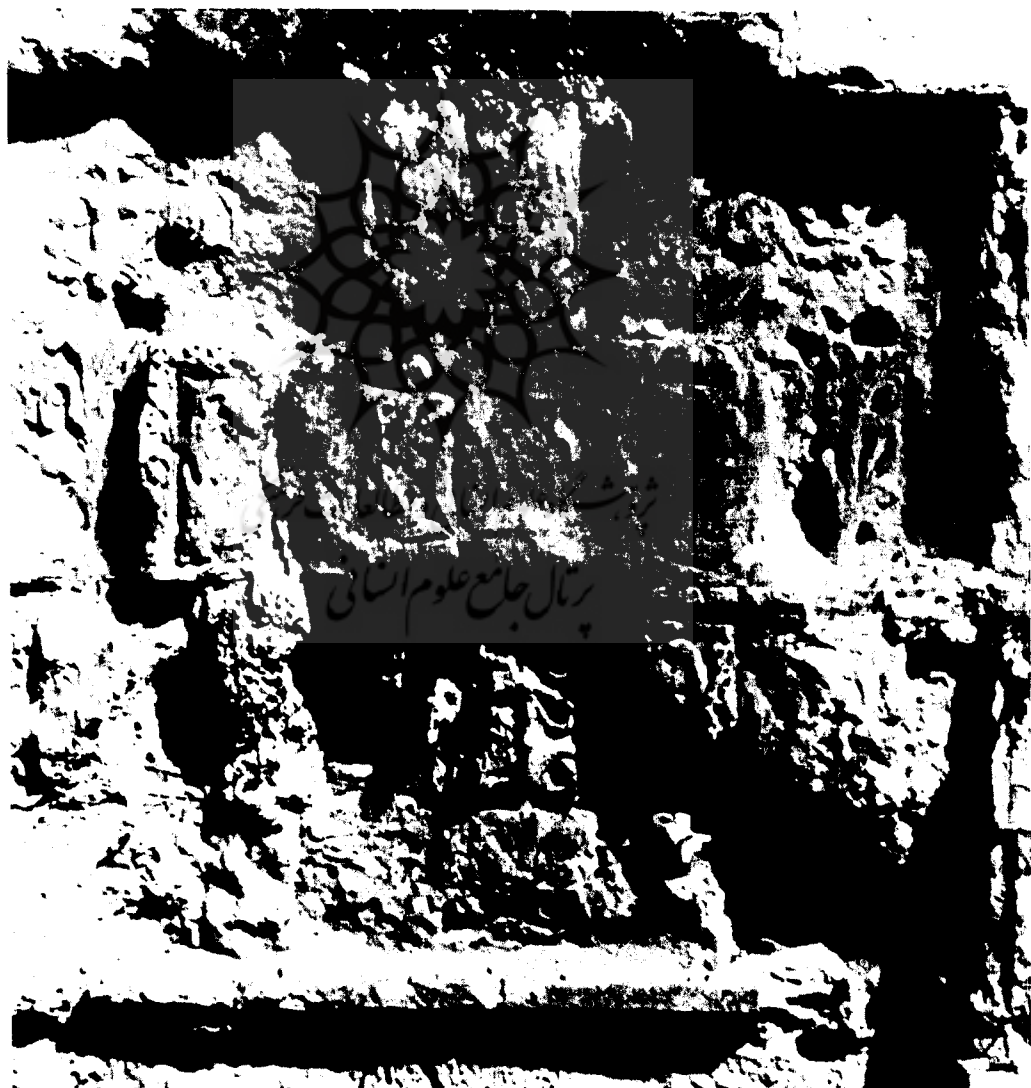
احتمالاً چنانچه خیمز نقشه‌های خود را از مسجد

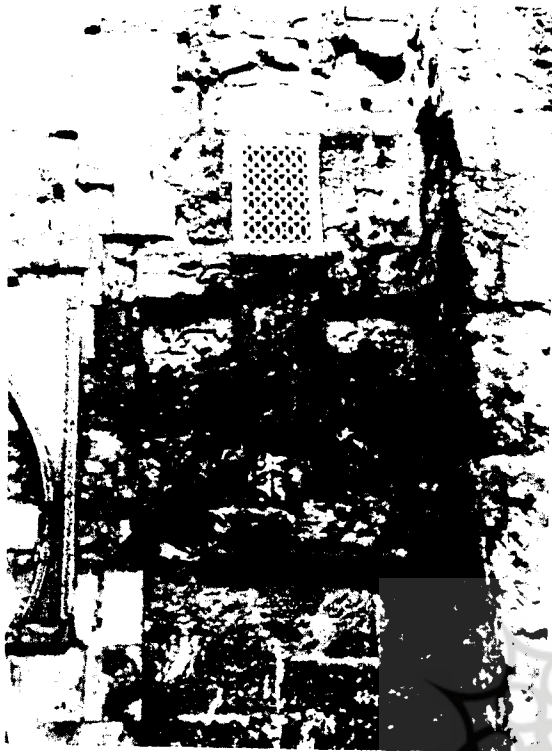
۸. طرح کنگره‌ای تزیینی ست راست درب

و کتابش درباره تاریخچه تکامل این بنا در دوره اسلامی را منتشر کند، دلایل بهتری در اختیار خواهیم داشت.

به نظر ما بهتر است که از بحث پیرامون قدمت و اجزای بنا چشم‌پوشیم و بیش‌تر به ساختار کل بنا و ارتباط آن با دوره معماری اسلامی بپردازیم.

پیش‌فرض ما آن است که عناصر اصلی یعنی درب، سردرب، کنگره‌ها، پنجره‌ها و طرح‌های آن همه به هم تعلق دارد و در کل هیچ تغییری نیافته است. از ذکر این نکته نیز نباید غفلت کرد که بازسازی ذکرشده در سال ۲۴۱ هجری / ۸۵۵-۵۶ میلادی حدود بیست و دو سال





۹. بئجة جب باب الوزراء با باقیمانده کمان علی شکل بالای آن

گوتیک غربی برای آن ارایه نمی نماید.^۱

بالباس نخستین کسی است که به بررسی پیشینه طرح دروازه می پردازد و معتقد به وحدت طرح آن است. وی اظهار می دارد که این طرح برگرفته از معماری امپراتوری روم و یا دروازه های بیزانسی است، هرچند که هم زمان می افزاید که بسیاری از دیگر عناصر دروازه با معماری عصر امویان در شرق مرتبط است. وی با ارایه نمونه های بسیاری از دروازه آثورا (porta aurea) در اسپالانو و دروازه آمفی تئاتر بوردو تلاش می کند، طرح دروازه را دقیق تر توصیف نماید. از نظر او ویژگی های زیر نشانگر ارتباط است: درب بزرگ در وسط، کمان عمودی، کمان های جانبی با طاقچه ها در بالای آن ها و گاهی یک ردیف از نیم دایره های باز یا بسته.

بی شک باید شباهت های یاد شده را مهم دانست، اما صحیح تر آن است که در بررسی آثار عصر امویان در شرق این مسئله را مطرح کنیم که آیا معماری سوریه

پس از نخستین توسعه مسجد به فرمان عبدالرحمان دوم یعنی سال ۲۱۸ هجری / ۸۳۳ میلادی صورت پذیرفته است. در اثر افزایش طول نمای غربی به طرف جنوب، باب الوزراء حالت مرکزیت خود را از دست داده است. بنا بر حدس ما این امر به دلیل آن است که در زمان محمد اول دلیلی برای صرف هزینه برای بازسازی دروازه وجود نداشته است. به همین دلیل عدم تقارن نمای غربی در اثر توسعه مسجد مشخص تر می گردد. برای درک بهتر این نظریه بدیهی است که بهترین راه، ارایه نمونه هایی دیگر از معماری اسپانیولی - اسلامی قرطبه است که در آن گرایش بسیاری به تقارن و تساوی بر اساس محور اصلی ساختمان مشاهده می گردد، اما این امر از چارچوب مقاله حاضر فراتر می رود.

نویسندگان بسیاری که معتقد به وحدت دروازه می باشند، درباره ارتباط تاریخی این دروازه اندیشیده اند. برای مثال تراسه^۷ معتقد است که هنر اسپانیا در ابتدای حکومت بنی امیه نشأت گرفته از سوریه می باشد و بر این اساس به بناهای مشخص و مشهور سوریه که به احتمال قوی سرمشق معماران قرطبه بوده است اشاره می کند. از آن جمله می توان به باسیل متبک (Basilika von Mshabbak) کلیسای سنت سیمون و بنای مشهور امان (Zitadelle von 'Amman) اشاره کرد. بدیهی است که نگرش کلی وی بر این امر مبتنی است که باب الوزراء درب های جانبی نیز داشته است. بی شک این بناها با نمای سه بخشی خود با هم مرتبط می باشند، ولی در عین حال ما فقط به ساختار درب باید توجه کنیم. سردر دروازه داخلی بنای امان را از نظر تزیینات می توان با دروازه قرطبه مقایسه کرد. از سوی دیگر تزیینات این بخش با قصر امویان شباهت بسیاری دارد.

مورنو از اظهار نظر تاریخی درباره طرح دروازه خودداری می کند و حتی به نظر او این طرح غیر اسلامی است، اما در عین حال هیچ اثر مشابهی در معماری

انجام می‌پذیرد.

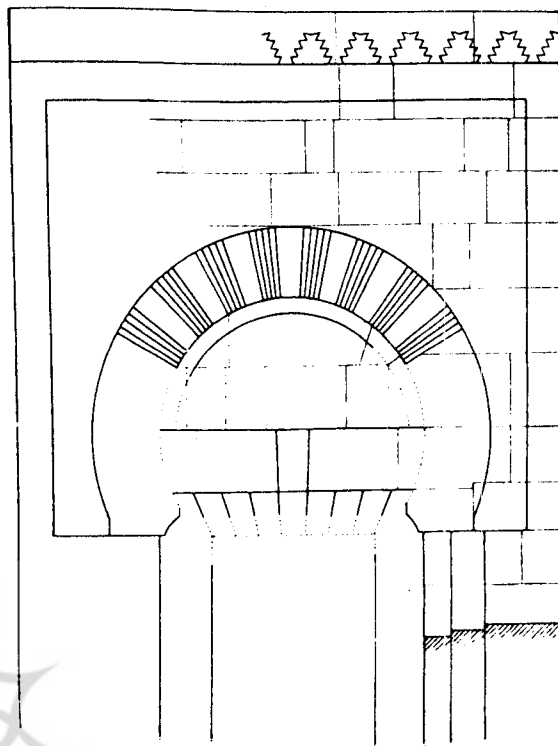
اولین نمونه بنای قصر الحیرالشرقی (مربوط به سال ۱۱۰ هجری / ۷۲۸-۲۹ میلادی ساخته شده به دستور هشام) است (تصویر ۱۱). بالای کمان افقی در تکیه‌گاهی نیم‌دایره است که ستون آن هم‌چون خطی طولی و افقی تا بخش‌های جانبی، برج‌ها را به هم وصل می‌نماید. در هر دو سو طاقچه‌هایی گود است که از کمان بالای درب تا ستون‌ها را دربر می‌گیرد.

در بالا پیش‌آمدگی گردی وجود دارد که بر سه ستون تکیه دارد. این پیش‌آمدگی حاشیه‌هایی را که به برج‌ها می‌رسد، قطع می‌نماید. روی کمان تصاویر تزئینی وجود دارد. این تصاویر بر اساس الگویی خاص نقش شده است. احتمالاً بالای تمامی بساختمان کنگره‌دار بوده است.

دروازه شمالی ساختار قصر الحیرالشرقی نشانگر آن است که تعداد ستون‌ها نباید همیشه سه بوده باشد، زیرا در این دروازه پنج ستون وجود دارد. سردر این دروازه نیز دارای نقش و نگار می‌باشد.

دروازه‌ای مشابه نیز در رَقّه (Raqqe) که همان دروازه شهر بغداد بوده است دیده می‌شود. شکل دروازه تفاوت عمده‌ای با دو دروازه گذشته دارد و کمان‌های اطراف آن کاملاً از نظر بُعد عظمت با کمان دروازه تطابق دارد. از ستون‌های بالای دروازه چیز کمی برجای مانده است، اما کرسول اعتقاد دارد که این ستون‌ها باید بخش قرینه دیگری نیز داشته باشند. از این‌که دیوارها چگونه بوده‌اند، اطلاعی در دست نیست. (تصویر ۱۲)

نمونه قابل توجه دیگر درب شمالی سالن بزرگ اخضر (Ukhaydir) است که گرچه معماری بیرونی آن مهم نیست، اما به دلیل تقسیم‌بندی دروازه‌های آن مجبور به ذکر آن می‌باشیم (تصویر ۱۳). دروازه، داخل کمانی بزرگ تعبیه شده است. در سمت راست و چپ طاقچه‌هایی با کمانی بالای آن‌ها و روی دروازه سه پنجره دیده می‌شود، پنجره وسطی عریض‌تر و بلندتر از



۱۰. نمای درونی باب‌الوزراء

بیش از معماری رومی بیزانسی با دروازه قرطبه ارتباط و نزدیکی دارد، و یا آن‌که بناهای مشابه دوره روم باستان همراه معماری امویان در شرق به اسپانیا منتقل شده است.

در مقاله حاضر و به ویژه در این مبحث قصد آن را نداریم که عقاید پژوهشگران قبلی را تصحیح نماییم، زیرا همگی آن‌ها از جمله بالباس که متأسفانه خیلی زود فوت کرد، در این راه مستحق احترام و تحسین هستند. فقط به اندیشه در این باب می‌پردازیم که آیا آثار باقیمانده ما را وانمی‌دارد که مسئله را به گونه‌ای دیگر مطرح نماییم؟

ما نمونه‌ها را با نظم تاریخی ارایه نمی‌کنیم، بلکه بر اساس انواعی که بهتر دیده‌ایم، آن‌ها را مطرح می‌نماییم و این کار با توجه به ویژگی سه‌بخشی بودن نما از جهت عمودی و با توجه به دیگر ویژگی‌های مرتبط با آن‌ها که نمای دروازه را یکسان نشان می‌دهد،

دو پنجره دیگر است، اما با آنان هم سطح می باشد. علت تفاوت در ابعاد پنجره حالت گنبدی شکل سقف است. در نمونه نخست نیز سه پنجره دیده می شود. نمای اصلی مسجد الاقصی نیز چنین پنجره هایی به شکل مثلث داشته است.

کمانی با سه ستون نیز در دروازه قصر قرنه (Kharana) مشاهده می شود. البته با قاطعیت نمی توان آن را از جمله نمونه های اسلامی دانست، اما از آن جا که می گویند این بنا در عصر امویان از ارزشش کاسته نگردیده است، ممکن است آن را در این جا مطرح کنیم. هم چون قصر الحیر الشرقی این گنبدها دارای نقش و نگار و شکلی مشخص می باشند. بر اساس گزارش یاسون و زاویگساک قرنه علاوه بر پنجره ها دارای سطحی تزیین شده است که کل فاصله بین برج ها را به خود اختصاص می دهد.^۸ مسئله مهم آن است که آیا چنین ستون های سه گانه ای هم چون آینه که در قرنه و یا اخضر به آن برخورد می کنیم به دلایل فنی، نشانگر تأثیر ساسانیان بر معماری هر دو بنای یاد شده نیست؟ در این زمینه قصد داریم از طاق کسری در تیسفون یاد کنیم. در بخش پایینی و در وسط این اثر عهد ساسانیان دروازه ای وجود دارد که به چهار بخش تقسیم و با دو نیم ستون از یکدیگر متمایز می شود. این سه بخش میانی را کمانی بزرگ دربر می گیرد و هر سه بخش نسبت به بخش میانی متمرکز است. در بالا سه کمان دیده می شود که وسطی از بین آن ها پهن تر و بلندتر است و آن را می توان ریشه ای از کمان های سه بخش معماری متأخر اسلامی دانست. (تصویر ۱۱ و ۱۲)

بنابراین ممکن است این شیوه مرسوم در معماری اسلامی، یعنی تزیین نما با کمان هایی در بخش خارجی آن ها برگرفته از معماری ساسانی باشد. در این زمینه نه تنها می توانیم از نمای اخضر یاد کنیم، بلکه قصر الحیر غربی نیز چنین حالتی دارد. دروازه این قصر (تصویر ۱۴) دربی با چارچوب و سردری مجدداً رومی

دارد. در بالای درب کمانی است که هم چون قصر الحیر الشرقی تا برج های جانبی می رسد و با نقش و نگارهایی مشخص شده است و بر ستون ها تکیه دارد. بعد یک ردیف از نه کمان بزرگ و کوچک وجود دارد که ستون های آن ها جدا از دیوار می باشد و طلاچه های نیم گنبدی شکل آن با هم مرتبط است. (تصویر ۱۳ و ۱۴)

یکی از درب های درونی این بنا (تصویر ۱۵) نیز همین طرح را دارد. بالای درب هلالی دیده می شود که دارای طرح ساسانی است و تزیینات بسیاری دارد و بالای آن کمانی کوچک و بالای این یک نیز کمان های دیگری مشاهده می شود. (تصویر ۱۵)

بر اساس وجود مکرر این طرح در بنای دیگر و وضوح آن مشخص می شود که این طرح بسیار متداول بوده است.

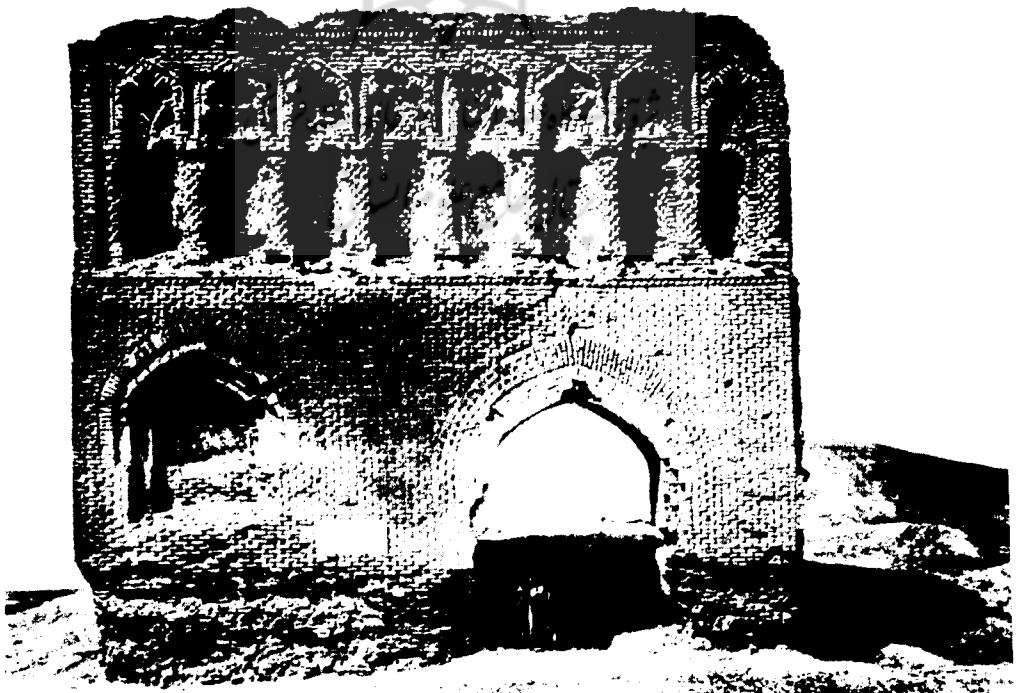
بدیهی است که هیچ یک از نمونه های یاد شده الگوی دقیقی برای دروازه مسجد جامع قرطبه نیست. از دیگر سو نیز برای ما مشخص است که نمونه های یاد شده برای مقایسه با دروازه سنت استبان بیش از دیگر دروازه های رومی و بیزانسی با این دروازه شباهت دارد. دروازه قرطبه از نظر سه بخشی بودن کاملاً با نمونه های بالا مشابه است و از بین آن ها قصر الحیر الشرقی بسیار جالب توجه است، علی رغم آن که باید افزود که طلاچه های سبک سوریه ای آن جا، در اسپانیا به شکل پنجره درآمده است. در عین حال قرطبه از نظر نمای سه بخشی خود به دروازه نمونه دوم شباهت بیش تری دارد.

با نگاهی به نمونه های یاد شده به ویژه قصر الحیر الشرقی این پرسش مطرح می شود که آیا نباید پا از این محدوده فراتر نهیم و ادعا کنیم که تزیینات باب الوزراء صرفاً تزیینی و یا حداقل خاطرهای از تزیینات پیش از ساخت دروازه بوده است؟ پاسخ این پرسش با توجه به آن که ما نمونه های دیگری از این دست



١١. دروازة قصر الحیر الشرقي

١٢. دروازة بغداد در رفه



را در معماری رومی دروازه‌ها نیافته‌ایم، به نظر مثبت است.

در هر حال این مسئله با توجه به تزئینات دیوار باب‌الوزراء مشخص‌تر می‌شود. بدیهی است که این نقش‌ها در معماری عصر امویان در بسیاری موارد ارزش استحکامی نداشته‌اند و حتی اگر این نقش‌ها در بخش بالایی دیوار، در جای اصلی خود، نصب شده باشند، باز هم نقش گذشته خود را ندارد. اما حتی حذف این وضعیت و تبدیل آن به نقش‌های تزئینی صرف گاهی نادرست به نظر می‌رسد.

برای مثال باستان‌شناسان خربة‌الله-سفرجر (Khirbat al-Mafjar) گزارش کرده‌اند که در آنجا نمونه‌هایی از همین نقش‌ها در نیم‌دایره‌های بخش پایینی دیوار نیز نقش شده است. نمونه دیگری از کاربرد تزئینی این نقش‌های دایره‌ای شکل در جایی که انتظار آن نمی‌رود، سرستون الموقر (al-Muwaqqar) در موزه امان است. این نیم‌دایره‌ها صفحه فوقانی سرستون‌ها را تزئین می‌نمایند. در قصر الحیرالغربی ردیفی از این نقش‌ها در چارچوب کمان مشاهده می‌شود.

تشخیص وضعیت تاریخی نقش و نگار طرح‌های نیم‌دایره‌های مسجد قرطبه امروزه بسیار آسان‌تر از زمانی است که کرسول به تألیف جلد دوم کتاب معماری اسلامی در دوران ابتدایی پرداخته بود. وی با مقایسه طرح نقش و نگارهای اسپانیایی با طرح‌های معماری پالمیر (Palmyren) سوریه دریافت که ارتباط بسیاری بین این طرح‌ها و مشرف‌زمین وجود دارد. حال در قصر الحیرالغربی و به‌خصوص در خربة‌المفجر نمونه‌های فراوانی یافته‌اند که اثبات تعلق نقش‌های اسپانیایی به عصر بنی‌امیه کار چندان دشواری نیست. اما این بخش از حدود پژوهش ما فراتر است.

بنابر آنچه ذکر شد، به نظر می‌رسد که باید در ساختار باب‌الوزراء توسعه‌ای خاص از جنبه معماری همراه با احداث قصر را در نظر بگیریم. اما هیچ مسجدی

را نیافتیم که دروازه‌ای با این شکوه و جلال داشته باشد. به همان‌گونه که کرسول توضیح داده است، بازمانده این اثر ما را به یاد این واقعیت می‌اندازد که نخستین نمونه درب ورودی گرانبها برای مسجد را فاطمیه در مهدیه طرح‌ریزی کرده‌اند و این بنا همراه فاطمیون در تمامی شرق اسلامی پراکنده شده است. از نظر زمانی نمونه بعدی، دروازه مسجدالحاکم مصر است.

بنابراین درمی‌یابیم که معماران قرطبه طرحی خاص برای دروازه‌های گرانبها با معماری دینی در اختیار نداشته‌اند و به همین دلیل این تصور در ذهن ما نضح می‌گیرد که آنان برای تحقق بخشیدن به درخواست عبدالرحمان اول مبنی بر ساخت دروازه‌های گرانبها برای مسجد مجبور شده‌اند از معماری قصر نیز بهره‌جویند. در نهایت این پرسش مطرح می‌شود که آیا این دروازه با بهره‌جستن از قصر، چنانچه کل این بنا را نوعی قصر بدانیم، از جنبه کاربردی و تشابهی و همچنین معماری ظاهری آن انجام پذیرفته است یا خیر؟ به‌ویژه باید در این زمینه مسایل زیر را نیز مد نظر قرار دهیم:

حیاط آن در اطراف خود دیوار و تنها سه درب دارد، سه ستون در جناحین صحن (شاید برای نشان‌دادن قبله) که تنها دارای یک درب می‌باشد و کنگره‌های بالای دیوارها.

در این زمینه باید یادآوری کنیم که بین مسجد و قصر قرطبه از همان ابتدا ارتباطی مکانی و مهم وجود داشته است. المقاری (al-Moqqari) به نقل از مورخی ناشناس ذکر می‌کند که عبدالرحمان اول نه تنها سازنده نخستین مسجد بود، بلکه نخستین قصر کنار آن را نیز او ساخته است. چرا نباید در نظر آوریم که چنین سازنده پربصیرتی چگونه به این مسئله توجه نداشته است که بین دروازه که از آن قصرش را ترک می‌کرده است تا به عبادت بپردازد، و دروازه‌ای که از آن به صحن وارد می‌شده است، هم‌آهنگی خاصی را ایجاد کند. گرچه هم‌جواری تنگاتنگ قصر و مسجد در قرطبه احتمالاً در

دمشق، واسط و شاید هم رصافه (Rusafa) بهره جسته است.

مقاری با جمله بعدی بلافاصله نظریات ما را تصحیح می‌کند و می‌نویسد: عبدالرحمان اول دستور ساختن قصر را داد و می‌خواست این بنا با یادگار جدش، هشام، یعنی بنای رصافه در سوریه یکسان باشد. البته این گزارش مقاری سبب نمی‌شود که ما صرفاً فرض کنیم که عبدالرحمان اول با معماری بنی‌امیه در شرق آشنا بوده است، بلکه بهره‌گیری از سنت‌های معماری

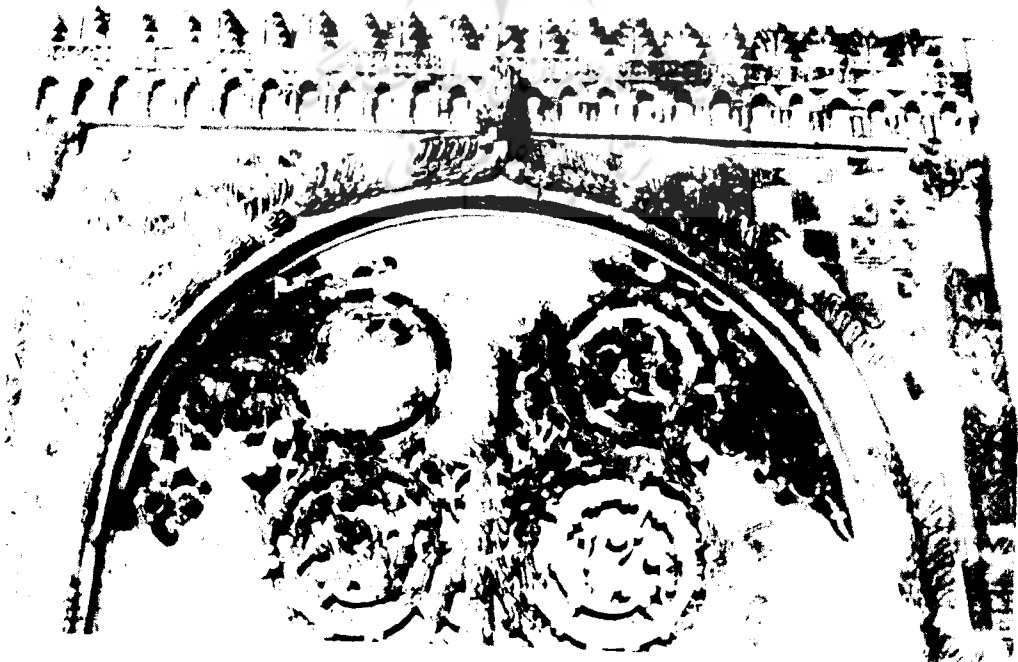
ابتدا به دلیل تملک زمینی با همان شکل و اندازه بوده است، اما باز هم می‌توان تصور کرد که ارتباط بین این دو بخش با استفاده از نمونه‌های خاص اسلامی ایجاد شده است و بر اساس نمونه‌های مشابه تاریخی خود در شرق اسلامی می‌باشد. به عقیده ما اخبار و گزارش‌ها مبتنی بر آن است که عبدالرحمان اول قصد داشته است به عنوان اولین حکمران مستقل بخش حوزه اسلامی در غرب، قصر و مسجد جامع را به شیوه‌ای مشابه بسازد و از الگوهایی هم چون قصرهای کوفه، بصره، قبه‌الخضرا در ۱۳ دیوار شمالی سالن بزرگ اخضر





۱۴. برج های قصر الحیرالغربی

۱۵. تزیینات درب داخلی قصر الحیرالغربی



پی‌نوشت‌ها:

1. Manuel Ocana Jimenez
2. K.A.C. Kreswell, *A Short Account of Early Muslim Architecture*, Oxford: 1958, 213.
3. *Diccionario de Historia de Espana II*. Madrid: 1957, 501-4,502.
4. E. Lévi - Provençal. *Inscriptions arabes d'Espagne*. Paris, Leiden: 1937, 1-2; *E.M.A.*, II, 140.
5. Leopoldo Torres Balbás
6. Gómez Moreno: *op.cit.*, 41.
7. Henri Terrasse
8. Jaussen et Savignac. *Mission archéologique en Arabie*, t.III. *Les Châteaux arabes de Qeseir 'Amra Haraneh et Tuba*. Paris: 1922.
9. K. Otto - Dorn. *op.cit.*, 123.

سوریه انتخابی آگاهانه بوده است و این امر بیانگر ارتباط خاوادگی مردمی است که خود را الداخل به معنای مهاجر نام نهاده‌اند.

حال پس از کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های اخیر وضعیت احتمالی رصافه هشام در نزدیکی سرجیوپولیس (Sergiopolis) را بهتر می‌شناسیم و حال بهتر می‌توانیم از این دو قصر که در منابع بسیار از آن‌ها یاد شده است، تصویری بهتر داشته باشیم. بنا بر گزارش باستان‌شناس، اتودورن^۹، دروازه قصر هشام دارای بخش‌های تزیینی خاصی است که برای تکمیل «کمان‌های بیرونی مورد علاقه بنی‌امیه» می‌باشد، این تزیینات شامل کمان نعلی شکل، نیم‌ستون‌های مسطح و پیش‌آمدگی‌ها، طرح‌های برگ‌مو و انار است که کاملاً مشابه تزیینات دروازه قصر الحیرالشرقی است. بنابراین طرح اصلی کمان بالای دروازه قرطبه را می‌توانیم مثابه طرح تزیینات بنای هشام در شرق اسلامی بدانیم که از بین آن سه نمونه پابرجاست و عبدالرحمان اول دسبور ساخت آن را داده است.

قصد داریم به چشم‌انداز دیگری درباره ساختار باب‌الوزراء که به نظر ما مفید است، اشاره‌ای کنیم. احتمالاً بالباس نخستین کسی بوده است که برداشتش از دروازه، مبتنی بر کاشی‌های محراب مشهور الحکم دوم می‌باشد. با تصویری مشخص از در و کمان‌های بالای آن هم چون دروازه قصر الحیرالغربی می‌توانیم دست‌آخر، اصلی جدید را در بحث خود مطرح نماییم. این اصل به ادامه راه کمک خواهد کرد. متأسفانه مقایسه انجام شده با درب کتابخانه نصب شده در قبیله مسجد قیروان (Qayrawan) به دلیل کمبود اطلاعات ناممکن است. اما بحث درباره دیوار قبیله مسجد قرطبه به نظر ما به دلیل مسایل ناشناخته‌ای که فهم آن‌ها بسیار دشوار است، از حوصله مقاله حاضر بیرون می‌باشد.